

ایمان

ایمانی که دنیا را متحول می سازد.

الان می خواهیم یکی از مهمترین مطالب مدرسه انجیل را بررسی کنیم، من پیشنهاد می کنم که بخش ایمان رشد کننده (رشد ایمان) را در کتاب حیات جدید قبل از ادامه این درس بخوانی. شخص عادل با ایمان، از ایمان زندگی می کند(جان میگیرد و زنده است).

رومیان ۱۶-۱۷:

۱۶- زیرا من به انجیل عیسی مسیح افتخار می کنم چون قدرت خداست برای نجات تمام کسانی که ایمان بیاورند. پیام انجیل در ابتدا فقط به یهودیان اعلام می شد، اما اکنون همه می توانند با ایمان آوردن به آن، به حضور خدا راه یابند.

۱۷- این پیام اینست که خدا فقط در يك صورت از سر تقصیرات ما می گذرد و به ما شایستگی آنرا می دهد که به حضور او برویم؛ و آن وقتی است که به عیسی مسیح ایمان آوریم. بلی، فقط و فقط ایمان لازم است. همانطور که کتاب آسمانی می فرماید: « فقط کسی نجات پیدا می کند که به خدا ایمان داشته باشد. شخص عادل که نجات پیدا کرده است با ایمان زندگی میکند و از ایمان زنده است. منظور این عبارت اینست که من به خدا اعتماد می کنم و طوری به او توکل می نمایم که صد در صد می دانم که چیزی که او در کلامش قول داده، عمل خواهد کرد. این یکی از ستون های زندگی مسیحی می باشد. زندگی در ایمان به خدا. بدن ما به اکسیژن نیاز دارد. به همین خاطر ما نفس می کشیم. در کمبود هوا ما می میریم. بعنوان فرزندان نجات یافته خدایا به ایمان نیاز داریم. در غیر اینصورت ما از نظر روحانی (رابطه ما با خدا) می میریم. بنابراین تمام زندگی مسیحی تو باید در ایمان باشد. بدون ایمان خشنود ساختن خداوند غیر ممکن است.

عبرانیان ۱۱-۶:

۶- اما خشنود ساختن خدا بدون ایمان و توکل به او محال است. هر که می خواهد بسوی خدا بیاید، باید ایمان داشته باشد که خدا هست و به انانی که با دلی پاک در جستجوی او هستند، پاداش میدهد. خداوند هیچگونه خشنودی در ما نمی یابد اگر ما با بی ایمانی در حضور او بیاییم. ایمان نداشتن و اطمینان نکردن به اینکه خداوند به قول خود عمل می کند، خدا را دروغگو کردن است.

اعداد ۱۹: ۲۳:

۱۹- خدا انسان نیست که دروغ بگوید، او مثل انسان نیست که تغییر فکر دهد. آیا تاکنون وعده ای داده است که بدان عمل نکرده باشد؟ اگر تو می خواهی که خدا را خشنود سازی و نزد او امتیازی بدست آوری باید به او ایمان داشته باشی، اطمینان و توکل کنی. او نمی تواند(توجه!) او نمی تواند دروغ گوید. او نمی تواند قولی بدهد و بهش عمل نکند. خدای ما اینطور است. او هرگز عوض نشده است. او همانی هست که هست و همیشه بوده است.

یعقوب ۱۷: ۱:

۱۷- از جانب خدا فقط مواهب نیکو و کامل به ما می رسد، زیرا او آفریننده همه روشنایی هاست و خدایی تغییر ناپذیر.

(ایمان ما بر دنیا پیروز می شود.)

اول یوحنا ۵-۴:۵

۴- زیرا هر فرزند خدا می تواند احکام خدا را بجا آورد و با ایمان و توکل به مسیح، بر گناه ولذات ناپاک دنیا غلبه کند.
۵- فقط کسی می تواند بردنیای گناه آلود غلبه یابد که ایمان دارد عیسی براستی فرزند خداست. **ایمانی که دنیا را متحول می سازد.** این عبارت به گوش تحریک کننده می رسد ولی قدرت ساکن در ایمان به خدا می تواند دنیا را تغییر دهد این فقط از طریق ایمان ما به خداست که می توانیم دنیای خود را متحول ببینیم. امثال بسیاری در شهرها و مناطق مختلف وجود دارد که کاملاً تغییر پیدا کرده اند با ایمان، کلیساهایی که با ایمان دعا کرده اند و تغییر و تحول را بر روی شهرها و کشورها اعلام کرده اند. این باید زندگی نرمال (عادی) کلیسای (انجیلی) باشد.

درس دوم:

«چطور ایمان بدست می آوریم؟»

رومیان ۱۰-۱۷

۱۷- با اینحال، ایمان از شنیدن مژده انجیل بوجود می آید.
ایمان از کلام خداوند می آید. در (حیات زندگی) تو خواندی که کلام مثل دانه ای است با قدرت رشد بی نهایت. وقتی آن در قلب ما کاشته می شود، ایمان تولید می کند. کلام خدا زنده و پر قدرت است و توانایی این را دارد که به زندگی ما نفوذ کند.

عبرانیان ۴:۱۲

۱۲- کلام خدا زنده و با نفوذ است و برنده تر از هر شمشیر تیزی است که مفصل را از استخوان جدا می کند، زیرا افکار پنهانی و نیتهای مخفی دل ما را می شکافد تا ما را آنچنانکه هستیم، به خودمان نشان دهد.

اعمال رسولان ۱۰-۱-۱۴

- ۱- در شهر قونیه نیز پولس و برنابا به عبادتگاه یهود رفتند و چنان با قدرت سخن گفتند که عده زیادی از یهودیان و غیر یهودیان ایمان آوردند.
- ۲- اما یهودیانی که به پیغام خدا پشت پا زده بودند، غیر یهودیان را نسبت به پولس و برنابا بد گمان ساختند و تا توانستند از آنان بد گویی کردند.
- ۳- با وجود این، پولس و برنابا مدت زیادی آنجا ماندند و با دلیری پیغام خدا را به مردم اعلام نمودند. خداوند نیز به ایشان قدرت داد تا معجزاتی بزرگ و حیرت آور انجام دهند تا ثابت شود که پیغامشان از سوی خداست.
- ۴- اما در شهر دو دستگی ایجاد شد؛ گروهی طرفدار سران قوم بودند و گروه دیگر طرفدار رسولان مسیح.
- ۵ و ۶- وقتی پولس و برنابا پی بردند که غیر یهودیان با یهودیان و سران قوم توطئه چیده اند که ایشان را سنگسار کنند، به شهر های لیکائوتیه، یعنی لستره و دریه و اطراف آنجا فرار کردند.
- ۷- در ضمن، به هر جا می رفتند پیغام خدا را به مردم میرساندند.
- ۸- در شهر لستره به مرد لنگی برخوردند که در عمرش هر گز راه نرفته بود.
- ۹- هنگامیکه پولس مو عظه می کرد، او خوب گوش می داد و پولس دید ایمان شفا یافتن را دارد.
- ۱۰- پس به او گفت: «بلند شو بایست!» او نیز از جا جست و براه افتاد!

اینجا می بینیم که گروهی از یهودیان نمی خواستند ایمان بیاورند و پیغام خدا را از پولس و برنابا بپذیرند. شنیدن کلام خدا بس نبود. من باید کلام را با قلبی فروتن بپذیرم. کسی که با قلب پاک به پولس گوش می داد مردی لنگ مادر زاد بود. فکر کن که او هرگز در عمرش راه نرفته بود. او مو عظه پولس را شنید و از این طریق ایمان پیدا کرد. پولس دید که در این مرد فقط ایمان و امید میدرخشد. پس به او گفت بلند شو بایست! او نمی توانست بایستد ولی ایمان پیدا کرده بود که خدا می تواند او را شفا دهد. او کاری را که نمی توانست کرد. او بلند شد و ایستاد. این ایمان در عمل است. او به ایمانش عمل کرد و معجزه خود را دریافت کرد.

مرقس زنی را شرح میدهد که مدت دوازده سال خونریزی داشت. او شنیده بود که عیسی بیماران را شفا می بخشد و اینکه عیسی پسر خداست. این در شرایط نا امیدانه او ایمان تولید کرده بود. ببینیم مرقس چه می گوید.

مرقس ۳۴-۲۵:۵

- ۲۵- در میان آن جمعیت زنی بود که مدت دوازده سال خونریزی داشت.
- ۲۶- با اینکه برای معالجه، به پزشکان بسیاری مراجعه کرده بود و برای این کار تمام دارائی اش را نیز از دست داده بود، ولی هیچ نتیجه ای نگرفته بود بلکه بر عکس رفته رفته بدتر هم شده بود.
- ۲۷- ولی او شنیده بود که عیسی بیماران را شفا می بخشد. به همین دلیل، خود را از میان مردم به پشت سر عیسی رساند و به لباسش دست زد،
- ۲۸- چون با خود گفته بود که « اگر فقط دستم به لباسش برسد، شفا پیدا می کنم.»
- ۲۹- پس همین کار را کرد و خونریزی اش قطع شد و خود نیز متوجه شد که شفا یافته است.
- ۳۰- عیسی نیز فوراً احساس کرد که از وجودش نیروئی خارج شد. پس به اطراف نگاهی کرد و پرسید: « چه کسی به لباس من دست زد؟»
- ۳۱- شاگردانش با تعجب به او گفتند: « می بینید که از همه طرف به شما فشار می آورند، و می پرسید چه کسی به شما دست زده؟»
- ۳۲- ولی عیسی همچنان به اطراف نگاه می کرد تا کسی را که به لباسش دست زده بود پیدا کند.
- ۳۳- آن زن که آگاه بود چه اتفاقی برایش افتاده، با ترس و لرز پیش آمد و در مقابل پاهای عیسی به زمین افتاد و گفت که چه کرده است.
- ۳۴- عیسی به او فرمود: « دخترم، ایمانت تو را شفا داده! سلامت برو و همیشه سالم باش!»

آن زن به سختی شفا را می طلبید. او در مورد عیسی شنیده بود، در مورد محبت عظیم او، محبت فراوان او و اینکه او مردمی که مرضهای دشوار داشتند شفا می بخشید. اینها در قلب او ایمان تولید نموده بود. ایمانی به حدی که او به خود گفته بود که اگر فقط دستم به لباسش برسد، شفا پیدا می کنم. او مشکلات و موانع سختی را رو در رو بود که باید بر آنان غلبه می نمود. چون او خونریزی داشت اجازه نداشت خود را در میان مردم نشان دهد. بر طبق قوانین آن زمان؛ اگر کسی او را می دید می توانستند سنگسارش کنند. ولی تصمیم او برجا بود. با اینکه ریسک سنگسار شدن وجود داشت، او یواشکی بطرف عیسی رفت. دور عیسی مردم بسیاری جمع شده بودند و همدیگر را هل می دادند و بهم فشار می آوردند. وقتی آن زن در ایمان لباس عیسی را لمس کرد، بلافاصله احساس کرد که نیرویی از وجود عیسی خارج شده و به بدن مریض او وارد شده است. او ناگهان احساس کرد شفا یافته است. عیسی هم احساس کرد که نیرو از وجودش خارج شده است. مردم بسیاری دور او بودند و لمسش می کردند ولی هیچکس تا بحال او را به ایمان اینکه از او نیروی شفا بخش خارج خواهد شد، لمس نکرده بود. ایمان این زن نیرو را از وجود عیسی خارج کرد. عیسی عملاً در این کار شرکت نکرده بود. ایمان اصلی و واقعی این زن در بدنش آشکار شد. عیسی امروز هم همان است. ایمان من و تو امکانات و معجزات او را در زندگی ما آزاد می کند.

درس سوّم:

«ایمان قدرت عظیمی برای نفوذ کردن و نزد خدا رسیدن دارد.»

(حالا به زنی دیگر می نگریم که به سختی احتیاج به کمک برای دخترش داشت.)

متی ۲۸-۲۱:۱۵

- ۲۱- عیسی از آنجا بسوی صور و صیدون براه افتاد.
- ۲۲- در آنجا يك زن کنعانی نزد او آمد و التماس کنان گفت: « ای سرور من، ای پسر داود پادشاه، به من رحم کنی! دختر من سخت گرفتار روحی پلید شده است. روح، يك لحظه او را راحت نمی گذارد.»
- ۲۳- اما عیسی هیچ جوابی به او نداد. تا اینکه شاگردان از او خواهش کرده، گفتند: « جوابی به او بدهید تا از ما دست کشیده، برود. چون با ناله هایش سر ما را به درد آورده است.»
- ۲۴- عیسی فرمود: « خدا مرا فرستاده تا یهودیان را کمک کنم، نه غیر یهودیان را، زیرا یهودیان گوسفندان گمشده خدا هستند.»
- ۲۵- آنگاه آن زن جلو آمده، پیش پای عیسی به خاک افتاد و التماس کرده، گفت: « آقا، خواهش می کنم به من کمک

کنید.»

۲۶- عیسی فرمود: «درست نیست که نان را از دست فرزندان بگیریم و جلوی سگها بیندازیم.»

۲۷- زن جواب داد: «بلی، حق با شماست؛ ولی سگها هم از تکه های نانی که از سفره صاحبشان می ریزد می خورند.»

۲۸- عیسی به او فرمود: «ای زن، ایمان تو عظیم است برو که آرزویت برآورده شد.» همان لحظه دختر او شفا یافت.

این زن در عهد ابراهیم با خدا شریک نبود. در مطلب عهد خون تو خواندی که تمام قوم و نسل ابراهیم یکی از قولهایی که در عهدشان با خدا داشتند این بود که خدا شفا بخش آنان بود. ما الان در عهد جدید زندگی می کنیم که با مرگ رستاخیز عیسی شروع شد. بدین خاطر تمام وعده های خدا برای همه کسانی ایمان دارند اعتبار دارد. ولی این زن ایمان قوی به رهایی دادن دخترش از طریق عیسی داشت با اینکه او در عهد ابراهیم شریک نبود. با اینحال عیسی ایمان او را آزمایش کرد و او را سگ نامید و گفت که نان را از بچه ها گرفتن اشتباه است. (بچه ها = بچه های ابراهیم، نان = شفا) جواب او نشان داد چقدر ایمانش مستحکم است: «بلی، حق با شماست؛ ولی سگها هم از تکه های نانی که از سفره صاحبشان می ریزد می خورند.» بخاطر ایمان آن زن عیسی توانست به روح پلید در دخترش فرمان دهد که او را ترک کند. او کاملاً شفا پیدا کرد و رهایی یافت من خوشحالم که به تو بگویم که تو امروز می توانی معجزاتی را به آن نیاز داری دریافت کنی، اگر تو به او ایمان داشته باشی. وقتی تو نجات یافتی، فرزند او شدی، تمام وعده های او مال توست.

رومیان ۳۱-۳۲: ۸

۳۱- پس در مقابل تمام این چیزهای عالی، چه بگوییم؟ اگر خدا با ماست، چه کسی می تواند بضد ما باشد؟

۳۲- در جایی که خدا حتی فرزند خود را از ما دریغ نکرد بلکه او را فرستاد تا در راه همه ما قربانی شود، آیا همه چیزها را به ما نخواهد بخشید؟

تمام وعده های خدا با ایمان دریافت می شوند. ایمان به خدا قدرت عظیمی برای نفوذ کردن و کشیدن استجاب دعا بطرف خودش دارد که ما به سختی سعی می کنیم بدست آوریم.

لوقا ۱۰-۱: ۷

۱- هنگامیکه عیسی این سخنان را به پایان رسانید، به کفرناحوم باز گشت.

۲- در آن شهر یک افسر رومی، غلامی داشت که برایش خیلی عزیز بود. از قضا آن غلام بیمار شد و به حال مرگ افتاد.

۳- وقتی افسر از آمدن عیسی با خبر شد، چند نفر از بزرگان یهود را فرستاد تا از او خواهش کنند که بیاید و غلامش را شفا بخشد.

۴- پس آنان با اصرار، به عیسی التماس کردند که همراه ایشان برود و آن غلام را شفا دهد. ایشان گفتند: «این افسر مرد بسیار نیکو کاری است. اگر کسی پیدا شود که لایق لطف تو باشد، همین شخص است.»

۵- زیرا نسبت به یهودیان مهربان بوده و عبادتگاهی نیز برای ما ساخته است!»

۶- عیسی با ایشان رفت اما پیش از آنکه به خانه برسند، آن افسر چند نفر از دوستان خود را فرستاد تا به عیسی چنین بگویند: «سرور من، به خود زحمت ندهید که به خانه من بیایید، چون من لایق چنین افتخاری نیستم.»

۷- خود را نیز لایق نمی دانم که به حضورتان بیایم. از همانجا که هستید، فقط دستور بدهید تا غلام من شفا پیدا کند!

۸- من خود زیر دست افسران ارشد هستم و از طرف دیگر، سربازانی را تحت فرمان خود دارم. فقط کافی است که به سربازی دستور بدهم برو تا برود یا بگویم بیا تا بیاید، و به غلام خود بگویم چنین و چنان کن تا بکند. پس شما نیز فقط دستور بدهید تا خدمتگزار من بهبود یابد!»

۹- عیسی وقتی این را شنید، تعجب کرد و رو به جمعیتی که همراهش بودند، نمود و گفت: «در میان تمام یهودیان اسرائیل، حتی یک نفر را ندیده ام که چنین ایمانی داشته باشد.»

۱۰- وقتی دوستان آن افسر به خانه باز گشتند، غلام کاملاً شفا یافته بود.

ما دیدیم که ایمان قدرت و معجزات خداوند را آزاد می کند. برعکس هم بی ایمانی مانع دریافت برکات از خدا می شود. موانع دیگری نیز وجود دارند که جلوگیری از خدا میشوند. یکی از آنها اعتراف زبان توست.

درس چهارم:

«اعتراف زبان تو.»

زبان تو بیشتر از آنچه تو فکر می کنی به ایمانت وابسته است.

رومیان ۱۰:۸-۱۰

- ۸- زیرا نجاتی که از راه ایمان به مسیح بدست می آید، به آسانی در دسترس هر يك از ما قرار دارد و به اندازه قلب و زبان خودمان، به ما نزدیک است؛ ما نیز درباره همین نجات موعظه می کنیم.
- ۹- در واقع اگر انسان با زبان خود نزد دیگران اقرار کند که عیسی مسیح خداوند اوست و در قلب خود نیز ایمان داشته باشد که خدا او را پس از مرگ زنده کرد، نجات خواهد یافت.
- ۱۰- زیرا بوسیله ایمان قلبی است که شخص رضایت خدا را حاصل می کند؛ و بعد هنگامیکه در برابر دیگران ایمان خود را به زبان می آورد، نجات خود را تأیید می نماید

دوم قرن تیان ۴:۱۳

۱۳- کتاب آسمانی می فرماید: «چون ایمان دارم، آن را به زبان می آورم.» پس ما نیز، چون همان ایمان را به خدا داریم، با دلیری پیغام انجیل را اعلام می کنیم.

ایمان قلبی اساس اقرار زبان است. این دو چیز (ایمان قلبی و اعتراف زبان) همیشه بهم وصل هستند. من براساس ایمان صحبت می کنم. سخنان انسان نشان دهنده باطن (قلب) اوست.

متی ۱۲:۳۴

۳۴- ای مارها، شما که باطنتان اینقدر بد است، چگونه می توانید سخنان نیکو و درست بر زبان بیاورید؟ زیرا سخنان انسان، نشان دهنده باطن اوست؛

مرقس ۱۱:۲۴

۲۴- خوب گوش کنید: «اگر ایمان داشته باشید، هرچه در دعا بخواهید خدا به شما خواهد داد.»

عیسی اینجا حقیقت بزرگی در مورد اقرار زبان نشان می دهد. کلام خدا که از زبان ما بیرون می آید قانون الهی (روحانی) است. این قانون اعتبارش به مطمئنی هر قانون طبیعت است. ما آموختیم که قوانین طبیعت را استفاده کنیم. وقتی ما با قوانین طبیعت در مورد الکتریسیته برخورد می کنیم، یاد گرفته ایم که اگر ما از آنها از طریق اطاعت و بکار گرفتن درست، استفاده کنیم، نیروی الکتریسیته برای ما کار می کند. اگر ما قوانین الکتریسیته را اطاعت نکنیم، به مشکل بر می خوریم و حتی میتوانیم آسیب ببینیم. کلماتی هم که از زبان تو بیرون می آید همینطور است. تو را در زندگی پیروز می کنند اگر آنها را کنترل کنی و به قانون الهی که کلام خدا نامیده شده، تسلیم کنی؛ اگر قوانین الهی کلمات تو را هدایت کنند، به نیروی الهی تبدیل می شوند که برای تو کار می کنند. خود بینی و غرور دشمنان تو هستند. کلام خدا دنیای روحانی را کنترل می کند. بسیاری از مردم در پائیز سرما می خورند، آنفولانزا می گیرند و تب می کنند. قبل از اینکه تو نجات پیدا کنی شاید می گفتی: «من همیشه در پائیز سرما می خورم و آنفولانزا میگیرم. ولی الان تو اعتراف می کنی:

من از طریق زخمهای عیسی شفا پیدا کرده ام. تمام مرضها را عیسی بر صلیب بر دوش خود کشید که من مریض نباشم. تو کلام را اعتراف می کنی و قلبت ایمان دارد و نمی خواهد مریضی و ضعف را بپذیرد. این یعنی هماهنگ با کلام خدا صحبت کردن. ولی تو می گویی: «من واقعاً سالم بده!» در آنحال تو نباید منکر علائم مرض شوی بلکه روی کلام خدا استوار بیایستی و به علائم تمرکز و نگاه نکنی. ادامه بده و کلام خدا را اقرار کن برای سلامتی و خدا را شکر کن که شفا بخش و د کتر توست.

۲۱- زبان انسان می تواند جان او را حفظ کند یا آن را بر باد دهد؛ بنابراین او عواقب حرفهایش را خواهد دید.

صحبت کردن و دعا کردن بر ضد کلام خدا همانقدر به انسان آسیب می رساند که قوانین طبیعی الکتریسیته را زیر پا بگذارد. خدا هر چیزی که می گوید انجام خواهد داد. در تمام انجیل خدا هرگز کاری را نکرد که از قبل نگفته بود. او چیزی گفت و بعد انجامش داد. قدرت انجام دادن در کلام است.

آفرینش ۲۴، ۱۲، ۱۴، ۹، ۶، ۳۱: ۱

۳- خدا فرمود: «روشنایی بشود.» و روشنایی شد.

۶- سپس خدا فرمود: «توده های بخار از هم جدا شوند تا آسمان در بالا و اقیانوسها در پایین تشکیل گردند.»

۹- پس از آن خدا فرمود: «آبهای زیر آسمان در يك جا جمع شوند تا خشکی پدید آید.» و چنین شد.

۱۴- سپس خدا فرمود: «در آسمان اجسام درخشانی باشند تا زمین را روشن کنند و روز را از شب جدا نمایند.»

۲۰- سپس خدا فرمود: «آبها از موجودات زنده پر شوند و پرندگان بر فراز آسمان به پرواز در آیند.»

۲۴- سپس خدا فرمود: «زمین، انواع جانوران و حیوانات اهلی و وحشی و خزندگان را بوجود آورد.» و چنین شد.

هیچ چیز برای خدا غیر ممکن نیست. او می تواند دقیقاً همان چیزی را که میگوید انجام دهد.

خداوند انسان را با همان توانایی خلق کرد که با همان ایمان عمل کند.

اعمال رسولان ۱۰-۸: ۱۴

۸- در شهر لستره به مرد لنگی بر خوردند که در عمرش هرگز راه نرفته بود.

۹- هنگامیکه پولس موعظه می کرد، او خوب گوش می داد و پولس دید ایمان شفا یافتن را دارد.

۱۰- پس به او گفت: «بلند شو بایست!» او نیز از جا جست و براه افتاد.

کلماتی که از دهن خارج می شوند، کنترل کن و آنها را تسلیم اطاعت کلام خدا کن. در آنصورت خواهی دید که کلمات بنفعت کار می کنند و نه به ضررت.

درس پنجم:

«چندین مانع دیگر جلو گیری ایمان در زندگی تو»

۱.

«تو فکر میکنی که ایمان نداری»

یوحنا ۱۲: ۱۴

۱۲- اینکه می گویم عین حقیقت است: «هرکه به من ایمان بیاورد، می تواند همان معجزاتی را بکند که من

کرده ام و حتی بزرگتر از اینها را نیز بکند، چون من نزد «پدرم» باز می گردم.

هرکه به من ایمان آورد! وقتی تو نجات پیدا می کنی، ایمان داری. بعد ایمانت رشد می کند. خدا بیشتر از رشد فعلی ایمان تو از تو انتظار ندارد.

۲.

«تو به خواست خدا اطمینان نداری»

یعقوب ۱۷: ۱

۱۷- از جانب خدا فقط مواهب نیکو و کامل به ما می رسد، زیرا او آفریننده همه روشنایی هاست و خدایی است تغییر ناپذیر.

فلیمون ۱:۶

۶- دعا می‌کنم که ایمان و اعتمادی را که به خداوند داری، با دیگران در میان بگذاری، تا ایشان نیز تحت تأثیر قرار گیرند و ببینند که چه نیکی‌های ما و مواهبی از عیسی مسیح نصیب تو شده است.

رومیان ۸:۳۱

۳۱- پس در مقابل تمام این چیزهای عالی، چه بگویم؟ اگر خدا با ماست، چه کسی می‌تواند بضد ما باشد؟ اگر ما ندانیم که خدا مدافع ماست و نقشه‌های نیکو برای زندگیمان دارد نمی‌توانیم با ایمان دعا کنیم.
۳.

«نا اطاعتی»

ما نمیتوانیم فقط به خدا ایمان داشته باشیم ولی از او اطاعت نکنیم. شورش، آشوبگری و مخالفت با کلام خدا جلوگیری قدرت ایمان می‌شود.

رومیان ۱:۵

۵- بوسیله عیسی مسیح است که خدا فیض و لطف بی پایان خود را شامل حال ما گناهکاران نالایق کرده و ما را به سراسر جهان فرستاده تا به همه اقوام اعلام کنیم که او چه لطف عظیمی نموده است، تا ایشان نیز به عیسی مسیح ایمان آورند و از او اطاعت کنند.
۴.

«کمبود عمل»

یعقوب ۲:۲۶

۲۶- خلاصه، همانطور که بدن بدون روح، مرده است، ایمانی هم که اعمال نیک به بار نیاورد، مرده است. ایمان بدون عمل مرده است. مرد لنگ مادر زاد را بیاد آور که ما قبلاً در موردش صحبت کردیم. او به ایمانش عمل کرد.
۵.

«کمبود صبر و تحمل»

عبرانیان ۱۰:۳۵-۳۹

۳۵- پس به هر قیمتی که شده، ایمانتان را به خدا از دست ندهید، زیرا پاداش عظیمی در انتظار شماست!
۳۶- اگر می‌خواهید که خدا به وعده خود وفا کند، لازم است که شما نیز با کمال صبر و بردباری، خواست خدا را انجام دهید.
۳۷- زیرا همانطور که کلام خدا می‌فرماید، باز گشت او چندان دور نیست.
۳۸- پس آنانی که از راه ایمان نجات یافته‌اند، با ایمان نیز به زندگی ادامه دهند و در هر امری به خدا توکل نمایند. والا، اگر به عقب برگردند، خدا از ایشان خشنود نخواهد شد.
۳۹- ولی ما هرگز از خدا بر نگشته ایم تا به چنان سرنوشت تلخی دچار شویم، بلکه ایمانمان را حفظ کرده ایم و این ایمان، نجات جانمان را تضمین می‌کند.

خدا تقویم زمان خودش را دارد. ما بعضی مواقع میخواهیم چیزها زودتر انجام شوند یا اتفاق بیافتند. بدین دلیل کم تحمل می‌شویم. ایمان و تحمل قول خدا را متولد می‌سازد. خدا مثل کشاورزی است که وقتی زمانش نرسیده نمی‌شود درو کرد. اگر ما عملی انجام دهیم که خواست خداست ولی زمانش نیست، اینکار سخت و سنگین می‌شود. خدا پولس را فرا خواند که پیغام عیسی را به غیر یهودیان برساند ولی دوازده سال که سه سالش در صحرا بود طول کشید تا زمان اصلی فراخوان او فرا رسید.

«کمبود محبت»

غلاطیان ۵:۶

۶- برای ما که از مسیح حیات جاودانی یافته ایم، دیگر ختنه شدن و یا نگاه داشتن رسوم مذهبی اهمیتی ندارد. مهم آنست که ایمانی داشته باشیم که از آن محبت بجوشد. ایمان بدون محبت کار نمی کند. مثل کابلهای برق است. در کابل است که الکتریسته جریان دارد. ولی تو اگر بتعداد بسیاری برق داشته باشی بدون کابل، هیچ استفاده ای نمی بری. اگر تو ایمان قوی به خدا و امکانات او داشته باشی ولی محبت نداشته باشی، هیچ فایده ای ندارد.

اول یوحنا ۲۴-۲۲:۳

۲۲- آنگاه هر چه از او درخواست نماییم، دریافت خواهیم کرد، زیرا احکام او را اطاعت می کنیم و کارهای پسندیده ی او را بجا می آوریم.
۲۳- آنچه خدا از ما انتظار دارد اینست که به فرزند او عیسی مسیح ایمان داشته باشیم و به یکدیگر محبت کنیم.
۲۴- هر که احکام خدا را بجا آورد، با خدا زندگی می کند و خدا نیز با او. این حقیقت را از آن روح پاک که خدا به ما عطا فرموده است، دریافت کرده ایم.

یوحنا ۳۵-۳۴:۱۳

۳۴- پس حال، دستوری تازه به شما می دهم: «یکدیگر را دوست بدارید همانگونه که من شمارا دوست می دارم.
۳۵- محبت شما به یکدیگر، به جهان ثابت خواهد کرد که شما شاگردان من می باشید.»

زندگی با عیسی پر از لکی قوانین سخت نیست برای خشنودی خدا. نه، تو فرزند خدا هستی با لطف و از طریق ایمان. ولی یک دستور وجود دارد که اینست: «یکدیگر را دوست بداریم همانطور که او ما را دوست دارد.» منظور او در اینجا خواهر و برادران مسیحی ماست. این یک دستور و فرمان است. خدا اینجا هم دستور غیر ممکنى بمانمیدهد. برای دوست داشتن برادران و خواهرانمان همانطوریکه عیسی ما را دوست دارد، خدامحبت خود را در قلب ما گذارده است. این امکان این را بمانمیدهد که خواهر و برادران خود را در تمام دنیا دوست بداریم.

رومیان ۵:۵

۵- تا بتوانیم در برابر هر مشکلی بیایستیم و اطمینان داشته باشیم که هر پیش آمدی به خیر و صلاح ماست، زیرا می دانیم که خدا چقدر نسبت به ما مهربان است. ما این محبت گرم او را در سراسر وجود خود احساس می کنیم، زیرا او روح القدس را به ما عطا کرده تا دلهای ما را از عشق و محبتش لبریز سازد.

محبت خدا در توست. در ایمان تو محبت او را می پذیری. بدین دلیل می توانی خواهر و برادرانت را دوست داشته باشی. چون خدا محبت است.

اول یوحنا ۸:۴

۸- اما کسی که محبت نمی کند، خدا را نمی شناسد، زیرا خدا محبت است.

«مأیوس بودن و ناامیدی»

دشمن ما (شیطان) همیشه می خواهد مانع فراخواندن و جلوگیری استجاب دعاهاى ما شود. یکی از حيله های او، وسوسه کردن ماست که از دیگران مأیوس شویم. یأس و وسوسه خطرناک است که به کینه تبدیل می شود و کینه شرارت می شود که به نوبه خود به مرگ روحانی می رسد.

یأس چیست؟ یأس اغلب انتظارات اشتباه در مورد خدا و انسانها است. آدم می تواند امیدوار باشد و انتظار داشته باشد از انسانهای مختلف و بعد ببیند که بر طبق امید و انتظار آدم رفتار نکردند. ما نباید توکل و امیدمان به مردم باشد. امنیت خدا را در انسانها نبین بلکه در خدا ببین. اگر انسانها تو را مأیوس کنند، دنیای تو فرو نمی ریزد چون در خدا امن هستی و آرامش داری.

ارمیا ۸-۵: ۱۷

- ۵- « لعنت باد بر کسی که به انسان تکیه می کند و چشم امیدش به اوست و بر خداوند توکل نمی نماید.»
- ۶- او مثل بوته ای است که در بیابان خشک و سوزان در شوره زارها می روید، جایی که هیچ گیاه دیگری وجود ندارد؛ او هرگز خیر و برکت نخواهد دید!
- ۷- خوشبحال کسی که بر خداوند توکل دارد و تمام امید و اعتمادش بر اوست!
- ۸- او مانند درختی خواهد بود که در کنار رودخانه است و ریشه هایش از هر طرف به آب میرسد درختی که نه از گرما می ترسد و نه از خشکسالی! برگش شاداب می ماند و از میوه آوردن باز نمی ایستد!

عبرانیان ۱۵: ۱۲

۱۵- مواظب باشید مبدا کسی از شما از خدا دور شود دقت کنید تلخی در میان شما ریشه ندواند، زیرا باعث اضطراب شده، به زندگی روحانی بسیاری لطمه خواهد زد.

افسیسیان ۳۲-۳۰: ۴

- ۳۰- طوری زندگی نکنید که باعث رنجش روح القدس گردد. بیاد داشته باشید که او بر شما مهر زده است تا شما را برای روز رستگاری آماده کند، روزی که در آن بطور کامل از گناه آزادی خواهید یافت.
 - ۳۱- هر نوع تلخی، خشم، غضب، درشت خویی، تاسزا گویی و نفرت را از خود دور کنید،
 - ۳۲- و در عوض نسبت بهم مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید، همانطور که خدا نیز شما را بخاطر مسیح بخشیده است.
- اینجا می بینیم که ما باید همیشه همدیگر را ببخشیم.

« بخشش »

مرقس ۲۵-۲۲: ۱۱

- ۲۲- عیسی گفت: « این که می گویم عین حقیقت است: اگر به خدا ایمان داشته باشید، می توانید به این کوه زیتون بگویید که بر خیزد و در دریا بیفتد،
 - ۲۳- و فرمان شما را بی چون و چرا اطاعت خواهد کرد فقط کافی است به آنچه می گوئید واقعاً ایمان داشته باشید و شك به خود راه ندهید.
 - ۲۴- خوب گوش کنید: « اگر ایمان داشته باشید، هر چه در دعا بخواهید خدا به شما خواهد داد.»
 - ۲۵- « ولی وقتی دعا می کنید اگر نسبت به کسی کینه دارید، او را ببخشید، تا پدر آسمانی شما نیز از سر تقصیرات شما بگذرد و شما را ببخشد.»
- نبخشیدن نیرو و قدرت ایمان را می کشد. ما باید مثل خدا ببخشیم یعنی/ ببخشیم و فراموش کنیم. همانطوریکه عیسی ترا بخشید. اگر نخواهیم ببخشیم، اتومات خودمان را تحت عذاب و شکنجه شیطان می گذاریم.

متی ۳۵-۲۳: ۱۸

- ۲۳- «وقایع ملکوت خداوند مانند ماجرای آن پادشاهی است که تصمیم گرفت حسابهای خود را تصفیه کند.»
- ۲۴- در جریان این کار، یکی از بدهکاران را به دربار آوردند که مبلغ هنگفتی به پادشاه بدهکار بود.
- ۲۵- اما چون پول نداشت که قرضش را بپردازد، پادشاه دستور داد که در مقابل قرضش، او را با زن و فرزندان و تمام دارایی اش بفروشند.
- ۲۶- ولی آن مرد برپاهای پادشاه افتاد و التماس کرد و گفت: «ای پادشاه استدعا دارم به من مهلت بدهید تا همه قرضم را تا به آخر تقسیم کنم.»

۲۷- پادشاه دلش به حال او سوخت. پس او را آزاد کرد و قرضش را بخشید.

۲۸- ولی وقتی این بدهکار از دربار پادشاه بیرون آمد، فوری به سراغ همکارش رفت که فقط صد تومان از او طلب داشت. پس گوی او را فشرده و گفت: «زود باش پولم را بده!»

۲۹- بدهکار بر پاهای او افتاد و التماس کرد: «خواهش می‌کنم مهلتی به من بده تا تمام قرضت را پس بدهم.»

۳۰- اما طلبکار راضی نشد و او را بزندان انداخت تا پولش را تمام و کمال بپردازد.

۳۱- وقتی دوستان این شخص ماجرا را شنیدند، بسیار اندوهگین شدند و به حضور پادشاه رفته، تمام جریان را عرض او رساندند.

۳۲- پادشاه بلافاصله آن مرد را خواست و به او فرمود: «ای ظالم بدجنس! من به خواهش تو آن قرض کلان را بخشیدم.

۳۳- آیا حقت نبود تو هم به این همکارت رحم می‌کردی، همانطور که من به تو رحم کردم؟

۳۴- پادشاه بسیار غضبناک شد و دستور داد او را به زندان ببرداند و شکنجه دهند، و تا دینار آخر قرضش را نپرداخته آزادش نکنند.

۳۵- بلی، و این چنین پدر آسمانی من با شما رفتار خواهد کرد اگر شما برادران را از ته دل نبخشید.»

این نکات به تو کمک می‌کند که عیسی بهت همان چیزی را بگوید که به زنی که خونریزی داشت: «ایمانت تورا شفا داده (کمک کرده است).

ما می‌توانیم خیلی در مورد ایمان صحبت کنیم، و در دوره ی موسی توم و سوم بیشتر در موردش صحبت می‌کنیم؛ خدا به تو برکت بده ای مرد/ زن ایمان. من با یک کلام خدا این مطلب را تمام می‌کنم:

عبرانیان ۳۲-۳۴: ۱۱

۳۲- دیگر چه نمونه ای بیاورم؟ زیرا وقت مجال نمیدهد که از ایمان جدعون، باراق، سامسون، یفتاح، داود، سمونیل و انبیاء دیگر سخن گویم.

۳۳- ایشان همگی به خدا ایمان داشتند، بهمین جهت توانستند در جنگها پیروز شوند، ممالک را تسخیر کنند، عدالت را در مملکت خود اجرا نمایند، و وعده های خدا را دریافت کنند. ایشان در چاه شیران آسیبی ندیدند.

۳۴- و در میان شعله های آتش نسوختند. با ایمانی که داشتند از خطر شمشیر جان سالم بدر بردند، و پس از در ماندگی و بیماری، نیروی تازه یافتند؛ در جنگ نیز با شجاعت، تمام سپاهیان دشمن را تار و مار کردند.

من بهت توصیه می‌کنم که به بخش «کتابها» در سایت اینترنتی ما سر بزنی. چون در آنجا کتابهایی وجود دارد که بیشتر در مورد ایمان توضیح می‌دهد.

اگر می‌خواهی می‌توانی این سئوالها را جواب بدهی و برای ما پست الکترونیکی (E mail) کنی. ما بعد امتحان راضیح می‌کنیم و با خبرت می‌کنیم که نتیجه ات چطور بود. تو بعد از اینکه تمام مطالب مدرسه انجیل را با نتیجه خوب (حداقل ۸۰٪ درست) گذراندی، از ما یک مدرک دریافت می‌کنی که دوره اول را گذرانده ای و از عهده تمام امتحانات برآمدی.

برکات غنی خداوند بر تو باد.

کشیش و دوست تو

امتحان
(ایمان)

۱- لوقا ۵-۳: ۱۷

۳- پس مراقب اعمال و کردار خود باشید! «اگر برادرت در حق تو خطایی ورزد، او را از اشتباهش آگاه ساز! اگر پشیمان شد او را ببخش!»
۴- حتی اگر روزی هفت بار به تو بدی کند، و هر بار نزد تو باز گردد و اظهار پشیمانی کند، او را ببخش!
۵- روزی رسولان به عیسی خداوند گفتند: «..... ما را زیاد کن».

قدرت

فروتنی

ایمان

۲- عیسی چه دانه ای را در لوقا ۶: ۱۷ نام برد؟

دانه چمن

دانه خردل

دانه آفتاب گردان

۳- کلام خدا همانند دانه ای است که اگر کاشته شود محصول تولید می کند.

بله

خیر

۴- کسی که مسیحی و عادل است باید به خاطر زنده باشد و زندگی کند.

پولهایش

قدرت خودش

پدر و مادرش

ایمانش به خدا

۵- خدا خشنود می شود اگر تو:

مهربان باشی

زرنگ باشی

به او ایمان داشته باشی

۶. مرد لنگ مادر زاد که به پیغام و موعظه پولس گوش می داد، به ایمانش عمل کرد و کاری را که نمی توانست بکند کرد. ایستاد و راه رفت.

پله

خیر